



برگزاری جشن قرعه‌کشی مرکز خرید «نارون» همزمان با نیمه‌شعبان

خودرو «اموی‌ام» به نوجوانی ۱۰ ساله رسید

در این جشن بیش از ۵۰ هدیه نفیس نیز به مشتریان و حاضران مراسم اهدا شد

بهناز شیربانی

باجتانی پدر طاهما هم چند کلمه‌ای صحبت می‌کند و می‌گوید او به همراه طاهما روی سن حاضر شده و خوشحال است که این خودرو به نام طاهما درآمده است.

مجری از پدر طاهما می‌خواهد در جایگاه حاضر شود. پدر طاهما در بین جمعیت حاضر در پارکینگ مجموعه است و چند دقیقه‌ای طول می‌کشد تا خودش را به محوطه باز مجموعه و جایگاه برساند. پدر طاهما می‌گوید که کارمند است و خوشحالی‌اش را بابت برنده‌شدن پسرش ابرار می‌کند.

مجری مراسم می‌گوید تا به حال دو باجتانی را با هم روی سن ندیده است و این اولین‌بار است که چنین صحنه‌ای می‌بیند و بعد از طاهما می‌پرسد: «بعد از اینکه به خانه رسیدی به اولین کسی که زنگ می‌زنی و خبر برنده‌شدنت را می‌دهی کیه؟» و طاهما می‌گوید: «به دوستام زنگ می‌زنم و می‌گم در مرکز خرید «نارون» ماشین برنده شدم»

جمعیتی که شماره آنها تا قبل از اعلام حرف با طاهما یکی بوده هنوز روی سن حاضر هستند و از تمام آنها با یک دستگاه «دی‌وی‌دی» تقدیر می‌شود. هنوز دو تلویزیون از قرعه‌کشی باقی مانده است که بعد از چرخاندن گردونه، اسامی مینو کریمی و ابراهیم حال‌وانه بیرون می‌آید و برندگان تلویزیون‌ها هم مشخص می‌شوند.

جشن کم‌کم به پایان می‌رسد و برنده دستگاه خودرو در کنار خودرواش عکس یادگاری می‌گیرد. لیختن رضایت را می‌توان در چهره حاضران در این جشن دید. صدای موسیقی هنوز در محوطه شنیده می‌شود. جعبه‌های شیرینی که برای پذیرایی از مردم در نظر گرفته شده دست به دست می‌چرخد. تعداد مشتریان این مرکز تجاری می‌رویم. ایشان خوشحال است و امروز هم به مشتریان این مرکز تجاری خوش گذشته و توانسته روز خوبی را برای آنها رقم بزند. قرعه‌کشی مرکز تجاری «نارون» از کم‌نظیرترین قرعه‌کشی‌هایی است که می‌توان در سطح شهر دید و مشتریانی که هر روز بر تعداد این مرکز خرید افزوده می‌شوند و قطعاً دلیل این موفقیت را باید در مدیریت خوب مجموعه و روحیه روزهو روزهو می‌دانست.

بیشتر است. خاتمی که در ردیف جلو، نشسته می‌گوید: «سال گذشته هم تا مرحله بردن ماشین پیش رفتم، اما بخت با من یار نبود و برنده نشدم، امیدوارم این‌بار، برنده شوم»

پسر بچه‌ای بنام ارشیا هم برای اعلام شماره‌هایی که از گردونه خارج می‌شود به جمعیتی که روی جایگاه حاضرند، ملحق می‌شود و با شیرین‌زبانی‌هایش جمعیت را به خنده می‌اندازد.

مراسم گهگاه از حاضران می‌پرسد که گردونه چندبار بچرخد؟ و بسیاری به یمن این روز مبارک می‌خواهند که گردونه ۱۲ بار بچرخد، مرد مسنی از میسان حاضران می‌خواهد که گردونه بیشتر چرخیده شود و مجری مراسم از او می‌خواهد که به روی جایگاه بپایید و در مراسم قرعه‌کشی آنها را همراهی کند. گردونه بارها می‌چرخد و شماره هشت اعلام می‌شود. نفس‌ها به شماره افتاده است و تقریباً عدد اعلام‌شده ۲۰ نفر از حاضران تا به اینجا با شماره‌های روی کارت آنها یکی است. بالاخره شماره آخر اعلام می‌شود که شماره دو از گردونه خارج می‌شود. اما هنوز هیچ‌چیز مشخص نیست چرا که یک حرف نیز باید از گردونه خارج شود که تنها همان حرف برنده قرعه‌کشی را اعلام می‌کند.

به پشت‌سر نگاه می‌کنم. در این لحظه بسیاری ایستاده مراسم را دنبال می‌کنند و چشم بسیاری خیره به خودرو «اموی‌ام» مشک‌رنگی است که با رولان قرمز ترین شده و در کنار جایگاه، پارک شده و مشخص نیست تا دقیقاً دیگر، کدام برنده خوش‌شانس صاحب آن خواهد بود.

مجری مراسم از تمام کسانی که تا به اینجا شماره کارشان با اعداد خوانده‌شده یکی است می‌خواهد روی جایگاه حاضر شوند. خاتم جوانی که از انتهای محوطه نزدیک جایگاه می‌آید، کارتش را به مجری نشان می‌دهد. مجری به او می‌گوید: «مبارکتان باشد.» خاتم جوان که از هیجان زبانش بند آمده می‌پرسد: «من برنده شدم؟» که مجری مراسم می‌گوید: «هنوز هیچ‌چیز مشخص نیست و باید منتظر مشخص شدن برنده اصلی باشد. شاید هم او برنده اصلی جایزه باشد هیچ‌چیز در این دنیا تصادفی نیست و خداوند برای همه ما چیزی را از قبل مشخص کرده است. این خودرو قسمت هر که باشد در نهایت به او خواهد رسید و نمی‌توان تقدیر را تغییر داد.»

همگی منتظریم. بعد از چند دقیقه حرف «ف» از گردونه خارج می‌شود و «طاهما نذا» برنده قرعه‌کشی اعلام می‌شود. طاهما کلاس چهارم دبستان است. پسری که مجری می‌گوید تا چند سال دیگر می‌تواند جای حسین رضازاده را بگیرد و چند دقیقه‌ای با او شوخی می‌کند. طاهما در پاسخ به پرسش مجری مراسم که می‌پرسد، بین پدر و مادرش کدامیک را بیشتر دوست دارد؟ طاهما جواب می‌دهد: «پدرم را بیشتر دوست دارم. مادر هم اینجا است.» طاهما با باجتانی پدرش روی سن حاضر شده است.

بلند عدد خوانده‌شده را تکرار می‌کنند و همین هیجان و شور و شوق جشن را بیشتر می‌کند.

کم‌کم، دوازدهمین قرعه‌کشی اوتومبیل مرکز خرید «نارون» آغاز می‌شود و شماره ۶ از گردونه خارج می‌شود. رقم نخستی که در بئر جایگاه زده شده است عدد یک است و عدد شش کنار آن قرار می‌گیرد و برخی که شماره کارت خریدشان با عدد نوشته‌شده یکی است هیجان خاصی دارند. مجری مراسم هم مدام آرزو می‌کند که ای کاش یک دختر بچه یا یک خاتم برنده این خودرو شوند چرا که در قرعه‌کشی‌های سابق هم بیشتر بانوان این خودرو را برنده شده‌اند.

مجری مراسم می‌گوید: «هر چند اگر آقایان هم برنده این جایزه شوند، خودرو متعلق به خانم‌هایشان است و اینجا خانم‌ها هستند که همیشه حق با آنهاست.» حرف‌های او درباره جایگاه خانم‌ها یا تشویق‌های مداوم خانم‌های حاضر در مراسم همراه می‌شود. بعد از مدتی خوش‌ویش با حاضران در جشن، بار دیگر، گردونه هدایای جشن به حرکت درمی‌آید و نام تعداد دیگری از حاضران اعلام می‌شود.

کمال سراج، مرورلید کمالی، پگاه ورامینی، هورا حسینی، اعظم میرزایی، فاطمه لطیف، ناصر شفیع، منصوره شریفی، سیداحسان نیری، رویا افشارمازندران، نفیسه کلاتنری، زهرا جمال‌آبادی، زهرا عامری‌فرد، مریم فرجی، روشنا اشرفی، الهه ازگلی، پروانه قادرپناه، ایمان مصلحی، حسین جنتی‌پور، غلامرضا رازی، زهرا علم‌الهدی، خدیجه سهیلی‌نیا، پردیس فرشیدار، گلریز توکلی، صدف بی‌نظیر، حمیده سعیدی‌پور، روح‌الله فرخی، اکبر شریف‌زاده، ارشیا عرفانی، مریم محمدی، مهدی کاساوری، نازنین معتمد، حشمت بحیایی، محمد مرادی، فرناز رونقی، ترگس شیرافکن، صدف نیک‌نژاد، اعظم یعقوبی، سیامک کاووسی، معصومه راهنما، کیان حسین‌پناهی، صدیقه هاشمی‌مقدم، آدرینا همایون، زهرا نعمتی، نازگل یکتا، پرهام حاجتی، آرمان عسگری، منیژه گیلانی، شهروز شریفی، سیدمهشید تقوی، هاجر اعتراضی، بهنوش ابراهیمی، لیلا بابایی، پارسا امیدی، مریم فرزام و مهدی محمدی دیگر برندگان این جشن بزرگ بودند که برای دریافت هدیه‌شان روی جایگاه حاضر شدند.

مجری مراسم با یکی از برندگان خوش‌ویش می‌کند. او مرد جوانی است که یک وسیله آشپزخانه برنده شده، می‌گوید ازواج کرده و به همراه همسرش در این مراسم شرکت کرده و خوشحال است که یکی از برندگان این جشن است.

مجری مراسم که از انتظار مردم برای قرعه‌کشی خودرو باخبر است، هیجان قرعه‌کشی خودرو را بیشتر می‌کند و با لطیفه‌هایش جمعیت را سرگرم می‌کند.

دیگر همه‌چیز برای قرعه‌کشی خودرو «اموی‌ام» آماده است. تعداد کسانی که عدد دو رقمی گفته‌شده روی کارتشان موجود است مشخص شده‌اند و هیجان آنها برای برنده‌شدن

نمی‌کنند. خاتم میانسانی که کنارم نشسته است از مشتریان پروپا قرص این مرکز تجاری است و می‌گوید: «سعی می‌کنم همیشه از مرکز خرید «نارون» خرید کنم»

او می‌گوید: «کیفیت و قیمت اجناس این مرکز نسبت به سایر مراکز خرید، مناسب‌تر است و قرعه‌کشی‌هایی که هر چند وقت یکبار برگزار می‌شود، انگیزه‌ام را برای خرید بیشتر می‌کند»

او که در این قرعه‌کشی یک اتو برنده شده است، می‌گوید: «من به آشنایانم هم پیشنهاد می‌کنم که از اینجا خرید کنند. قرعه‌کشی این مرکز خرید با مراکز دیگر فرق می‌کند و ما با اطمینان خرید می‌کنیم و در قرعه‌کشی شرکت می‌کنیم چون به صداقتشان در برخورد با مشتری اعتماد داریم.» دوساعتی از برگزاری مراسم می‌گذرد و خستگی را در چهره کمتر کسی می‌توان دید و همه همچنان با هیجان مراسم را دنبال می‌کنند. اما قسمت هیجان‌انگیز جشن که قرعه‌کشی یک دستگاه خودرو «اموی‌ام» است آغاز می‌شود. لحظه‌به‌لحظه به تعداد جمعیت افزوده می‌شود. نیروی انتظامی هم برای برقراری نظم در محوطه به کمک می‌آید. برخی ایستاده جشن را دنبال می‌کنند، حتی پله‌های اضطراری محوطه هم پر از جمعیتی است که نشسته یا ایستاده جشن را دنبال می‌کنند.

مهندس امیر مظاهری هم، همراه با مردم ایستاده جشن را دنبال می‌کند و بیش از همه‌چیز به فکر آسایش مردمی است که برای این مراسم آمده‌اند. مدام به مجری مراسم تاکید می‌کند اگر کسی ایستاده است می‌تواند مراسم را از «ال‌سی‌دی»‌هایی که در پارکینگ نصب شده دنبال کند و آنجا هم صندلی برای نشستن در نظر گرفته شده است.

گهگاه نسیمی در محوطه باز مرکز تجاری می‌وزد؛ شاید به این دلیل است که جمعیت در این نقطه بیش از پارکینگ است، هر چند که حضور این تعداد جمعیت برای برگزاری کنندگان جشن عادی شده و هربار بیش از گنجایش تعیین‌شده، مردم برای حضور در این قرعه‌کشی می‌آیند. با وجود این جمعیت، نظم حاکم بر مراسم بسیار خوب است و نشانی از نا رضایتی در جمعیت دیده نمی‌شود.

هربار که نام عده‌ای برای گرفتن جایزه اعلام می‌شود، تعدادی از حاضران مقابل جایگاه صف می‌کشند و مجری مراسم مجبور است چند دقیقه‌ای اجرای مراسم را متوقف کند تا کسانی که اسامی‌شان اعلام شده است بتوانند جایزه‌هایشان را دریافت کنند.

تعدادی عدد در گردونه دیگری که کنار جایگاه قرار گرفته است، ریخته می‌شود. توپ‌های سبزرنگی که مخصوص قرعه‌کشی خودرو است و شماره‌های تک‌تک توپ‌های سبزرنگ به مردم نشان داده می‌شود و بعد داخل گردونه ریخته می‌شود. هر عددی که خوانده می‌شود مردم هم

مردم را سر ذوق می‌آورد و آنها را برای قرعه‌کشی آماده می‌کند، محمودی در صحبت‌هایش حاضران را متوجه مقام بزرگ‌ترهایی که در این مراسم حضور دارند می‌کند و از کوچک‌ترها می‌خواهد به بزرگ‌ترهایشان احترام بگذارند. تا قبل از شروع رسمی قرعه‌کشی، برخی با کارت خریدهای تازه از راه می‌رسند و نامشان را در گردونه قرعه‌کشی می‌اندازند.

مجری مراسم از جایگاه پایین می‌آید و در جمعیت به دنبال افراد سن‌وسال‌داری می‌گردد که گردونه قرعه‌کشی را بچرخانند و اسامی را اعلام کنند. بعد از مدتی دونفر با مجری مراسم از میان جمعیت به بالای جایگاه می‌روند و مجری اعلام می‌کند تا پایان قرعه‌کشی این دو نفر امین برگزاری قرعه‌کشی هستند. گردونه پر از برقه‌های خرید است و آنقدر پروپیمان هست که به سختی می‌توان آن را چرخاند و اسمی از آن خارج کرد.

همه نگاه‌ها به جایی است که هدیه‌ها در آنجا چیده شده است. تلویزیون، اتو، جاروبرقی، آبمیوه‌گیری و... بخشی از هدایایی است که مرکز خرید «نارون» برای مشتریان در نظر گرفته است.

گردونه به حرکت درمی‌آید و نگاه‌های منتظری که حرکت گردونه را دنبال می‌کنند و موسیقی شاد که هیجان مردم حاضر در مراسم را بیشتر می‌کند.

گردونه می‌ایستد و تعدادی اسم به همراه شمار‌هایی که روی برگه‌ها نوشته شده است بیرون می‌آید. مجری شروع به خواندن اسامی همراه با شماره آنها می‌کند و فرد دیگری که در کنار مجری ایستاده، اسامی و شماره‌ها را با برگه‌های که در دست آنهاپی است که برای دریافت جایزه آمده‌اند، مطابقت می‌دهد.

این جشن هم‌چو برنده‌ای داشت از کودک خردسال گرفته تا پیرمرد و پیرزن سالخورده که از دریافت این هدیه حسابی هیجان زده می‌شدند.

پژمان لطیفی، شهلا احمدی، عارف قاسمی، محمدرضا صادقی، آسیه ابوالحسنی، جعفر میرجالمی، علیرضا بیات، رضا تقدسی، محمود پهنوی، هادی خاوری، جاورنا بدیعی، نیلوفر آرد، گلریز توکلی، زهرا حسینی، مهدی قاسمی، حمید بیگ‌نظر، مهیا مهدیان‌فر، نفیسه عبدیزدان، محمدرضا فشاری، پریسا خدآوردی، مجید سبزوآیان، اعظم‌السلات نیلی، امیرضا زاهدیان، پروانه قادرپناه، زینب روزبهانی، ریحانه معرضی، اعظم بهادری، حمیدرضا آزادی، علی‌اصغر راستینه، امید پروین، طاهره زرگرامینی، الهام علی‌اصغر، سعیده صناعی‌راد، عیسی طالبی، فاطمه زکی‌خانی، مانی کمبجانی، آیدا قاسمی، سمیرا موسوی خسروشاهی در مرحله اول قرعه‌کشی مرکز خرید «نارون» معرفی می‌شوند و نامشان از گردونه خارج می‌شود. برخی از آنها در جشن حضور ندارند و جایزه‌شان را دریافت

مرکز خرید «نارون» واقع در خیابان نیلوارن همزمان با روز میلاد حضرت‌تمهدی (عج)، میزبان جشن بزرگ سالانه خود بوده جشنتی که در آن هدایایی نفیس به قید قرعه به خریداران خوش‌شانس این مرکز اهدا می‌شود. حوالی غروب روز جمعه ۲۳ خرداد، به مرکز خرید «نارون» می‌رسیم. جمعیت زیادی مقابل در ورودی مرکز خرید دیده می‌شوند. جمعیتی که از آنها با شربت و شیرینی پذیرایی می‌شود. گرمی و شور و نشاط جشن از بدو ورود به مرکز خرید احساس می‌شود.

پارکینگ و محوطه باز مرکز خرید، برای برگزاری جشن در نظر گرفته شده است. وارد پارکینگ که می‌شوم، تعدادی صندلی چیده شده و تعدادی صندلی دیگر در محوطه باز مرکز خرید برای نشستن مردم در نظر گرفته شده است. تعدادی ال‌سی‌دی هم در محوطه پارکینگ نصب شده تا مردمی که در این مکان می‌نشینند، بتوانند جشن را از طریق این تلویزیون‌ها تماشا کنند.

سراغ مهندس امیر مظاهری را می‌گیرم. مهندس امیر مظاهری، مدیر مجتمع تجاری «نارون» سال‌هاست بانی برگزاری این جشن است و برای او رضایت مشتری همیشه اولویت دارد. در جشن‌های مجتمع تجاری «نارون» هر بار طی یک قرعه‌کشی یک دستگاه «اموی‌ام» به نفر برگزیده اهدا می‌شود و تعداد بسیار زیادی هدیه نفیس دیگر، برحسب خریدی که مردم در این مرکز انجام می‌دهند و با کارت خریدی که دریافت می‌کنند اهدا می‌شود. این قرعه‌کشی، هربار جمعیت زیادی را به مرکز خرید «نارون» می‌کشاند و افراد بسیاری از مسافت‌های دور به این نقطه از شهر می‌آیند و در این مراسم باشکوه شرکت می‌کنند. مهندس امیر مظاهری، در راه رسیدن به محل برگزاری جشن است و ما نیز با مردمی که برای حضور در این جشن آمده‌اند، همراه می‌شویم. از پله‌های پشتی مرکز خرید به محوطه باز مجموعه می‌رویم. جمعیت زیادی منتظر شروع جشن هستند. هر لحظه به تعداد این جمعیت اضافه می‌شود. صدای دست‌زدن‌های مداوم با موسیقی شادی که توسط نوازنده، نواخته می‌شود، شور و شوق عجیبی به جشن داده است. ما هم کنار میهمانان این جشن می‌نشینیم و منتظر شروع مراسم می‌شویم.

حسین محمودی، مجری مراسم بعد از حال و احوال با مردم، از آنها می‌خواهد اگر کسی در جمعیت هست که می‌تواند قرآن را با صوت تلاوت کند به روی صحنه بپاید. یکی از حاضران که مرد جوانی است برای تلاوت قرآن روی صحنه می‌رود و در انتها با جایزه‌ای نفیس از او تقدیر می‌شود. بعد از آن حاضران در جشن به احترام سرود ملی کشورمان قیام می‌کنند و نوای سرود ملی در محوطه باز مجتمع تجاری، طنین‌انداز می‌شود.

مجری بعد از گفتن چند لطیفه و خاطره و البته تقلید صدا که یکی از آنها تقلید صدای محمود شهریار است، حسابی

